

نگاهی به کتاب نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر

علی بحرانی‌پور

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا « اردیبهشت ۱۳۸۳ - شماره ۷۹

نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر

تالیف: شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی

ترجمه: دکتر سید حمید طبیبیان

ناشر: انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۲، ۵۱۶، ص، ۵۲۰۰ تومان

کتاب نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر از جمله کتب «عجایب» است که براساس تقسیمات جغرافیایی و اقلیم‌ها، تقسیم‌بندی شده و گذشته از جغرافیای تاریخی، به مباحث تاریخ علوم و مهندسی اسلامی در عهد مغول نیز پرداخته است.

در مجموع، کتب عجایب آمیزه‌ای از علوم گوناگون، بیان شگفتی و تا حدودی خرافات مربوط به مناطق گوناگون جهان است. این کتب علوم چون جغرافیا، نجوم، فلسفه، طبیعیات (جانورشناسی، علم آب و هوا و اقلیم‌شناسی، گیاه‌شناسی) مکانیک (علم الحیل)، ملل و نحل، تاریخ معماری، مردم‌شناسی، قوم‌شناسی و... را در بر می‌گیرند.

مؤلف کتاب مورد بحث، علامه بزرگ، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن ابو طالب انصاری صوفی دمشقی معروف به «شیخ ربوه» (۷۲۷-۶۵۴ ه.ق)، از دانشمندان برجسته معاصر با ممالیک و ایلخانان مغول بوده است.

گویا سنین جوانی و میانسالی شمس الدین محمد دمشقی (مؤلف کتاب) در زادگاهش دمشق گذشته است، چنانکه خود می‌نویسد: «به سال ششصد و هشتاد و دو که ملک منصور قلاوون در دمشق بود، مائده‌ای از مدرسه‌ء جوهریه نزد وی آمده شد... گویند ملک ناصر فرمانروای حلب آن سفره را نزد نجم الدین جوهری به ودیعه نهاده بود.» (ص ۱۲۹) می‌توان حدس زد که مؤلف با دربار ممالیک در رفت و آمد بوده و تحت حمایت آنان قرار داشته است، زیرا که در همه جای کتاب نام ممالیک را با دعای خیر همراه کرده است.

شیخ ربوه علاوه بر کتاب نخبة الدهر، کتاب دیگری هم به نام السیسه فی علم الفراسه نگاشته است. تاریخ وفات او را نیز سال ۷۲۷ ه.ق ثبت کرده‌اند. (ص ۷).

از کتاب نخبة الدهر نسخه‌های گوناگونی وجود دارد. نسخه‌ای که مورد استفاده و ترجمه‌ء دکتر سید حمید طبیبیان، مترجم محترم کتاب، قرار گرفته، نسخه‌ای است در ۲۸۵ صفحه در قطع رحلی همراه با فهرستی طولانی که در سال ۱۹۲۳ م. توسط انتشارات «هارا سوویتز» آلمان در لیبزیک منتشر شده است اما مترجم محترم مشخصات کتابنامه‌ای آن را به زبان آلمانی، ذکر نکرده است.

کتاب نخبة الدهر شامل پیشگفتار مترجم (صص ۸-۷)، دربردارنده زندگینامه‌ای بسیار کوتاه از مؤلف و بیان برخی ویژگی‌ها و نارسایی‌های نسخه عربی کتاب، مقدمه‌ء مؤلف (صص ۱۶-۱۹) و نه باب به شرح زیر است:

۱- باب اول در ده فصل (صص ۵۹-۱۷)، شامل بحث‌های نظری درباره‌ء کرویت زمین، مساحت آن، خط استوا، جهات جغرافیایی، افلاک، آبادی‌های زمین و نظرات دانشمندان یونانی و مسلمان درباره‌ء آنها، چگونگی پیدایش شب و روز، فصول و مناطق معتدله‌ء زمین، شرح بناها و عجایب سرزمین‌های گوناگون، اعتقادات و معابد ملل و فرقه‌های گوناگون به ویژه صابئین و زردشتیان است.

۲- باب دوم در یازده فصل (صص ۱۳۰-۷۱)، دربرگیرنده مطالبی کتاب «نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر» از جمله کتب «عجایب» است که براساس تقسیمات جغرافیایی و اقلیم‌ها، تقسیم‌بندی شده و گذشته از جغرافیای تاریخی، به مباحث تاریخ علوم و مهندسی اسلامی در عهد مغول نیز پرداخته است

تصویر یک پل که بر روی دریا زده شده است

(عکس از کتاب نخبة الدهر)

درباره انواع سنگ‌ها و مواد معدنی و خواص آنها، عقاید کیمیاگران و نظریات مولف در رد این عقاید، توضیحاتی درباره چگونگی پیدایش مروارید، درجه‌بندی ارزش سنگ‌ها، علل پیدایش ریگزارها و کوه‌ها و دریاها و همچنین جواهرات مشهور و منسوب به برخی پادشاهان است.

۳- باب سوم در شش فصل (صص ۱۸۴-۱۳۱)، درباره اعتقادات مذهبی مربوط به رودهای بزرگ جهان، معرفی این رودها (به ویژه رودهای شمال و شرق آفریقا و اندلس)، چشمه‌ها و عجایب و خرافات منسوب به آنها، علل شوری یا شیرینی آب‌های زمین، چگونگی پیدایش سیلاب‌ها و بحث‌های نظری درباره چرخه آب است.

۴- باب چهارم در شش فصل (صص ۲۰۶-۱۸۷)، مشتمل بر بحث‌هایی مربوط به فلسفه طبیعی، سرشت آب و ویژگی‌های آن از جمله جاری بودن، علت شوری آب دریاها و خواص آن، ویژگی‌های سواحل دریای منجمد (اقیانوس اطلس)، شیوه تولید و تهیه محصول عنبر و تجارت آن در اقیانوس هند و نیز عجایب مربوط به آنجا است.

۵- باب پنجم در شش فصل (صص ۲۲۸-۲۰۷)، در مورد دریای روم (مدیترانه)، خلیج اسکندرون، مساحت، فواصل، وجه تسمیه سواحل و جزایر آن، وصف جانوران شگفت‌انگیز آنجا، توضیحاتی درباره دریای طرابوزان (دریای سیاه)، آژه، مرمرة، ویژگی‌های دریاچه خوارزم (آرال)، به علاوه بحثی علمی درباره علل و اثرات جزر و مد در این مناطق است.

۶- باب ششم در هشت فصل (صص ۲۶۲-۲۲۹)، در رابطه با ویژگی‌های اقیانوس جنوبی (دریای مظلم یا دریای اصطیفون)، مساحت‌ها، سواحل و جزایر آن، عجایب دریای چین، دریای هند، جزایر آنها، سواحل و عجایب دریای سرخ، دریای یمن (دریای عرب) و (خلیج فارس) که از آن تحت عنوان «دریای فارس» یاد کرده و قابل توجه محققینی است که در پی یافتن سیر تاریخی نام خلیج فارس هستند) است.

۷- باب هفتم در سیزده فصل (صص ۳۵۱-۲۶۲) شامل موضوعاتی چون اوصاف اجتماعی و اقتصادی مردمان سواحل چین و جنوب شرقی آسیا، مناطق استوایی جنوب شرقی (کرمان و مکران) و سواحل دریای عمان تا خلیج فارس، وصف عراق عجم و جغرافیای تاریخی، آذربایجان، ارمنستان، شهرهای جزیره العرب، شام، فلسطین، یمن، شمال هند، ماور النهر، تبت، خوارزم، خراسان و شمال ایران است.

۸- باب هشتم در شش فصل (صص ۳۸۶-۳۵۷)، وصف شهرهای مصر، سواحل مدیترانه، شمال آفریقا و سرزمین‌های سودان، مراکش، تونس و اندلس را شامل می‌شود.

۹- باب نهم (وایسین باب) مشتمل بر نه فصل (صص ۴۴۰-۳۸۷)، مولف در این فصل در مورد تبارشناسی ملل سامی، ایرانی، رومی، ترک، تاریخ هریک از آن ملل (با تکیه بر نظریه انتساب همگی ملل به فرزندان نوح (ع) که در عهد مغول طرفداران بسیاری یافت)، رابطه جغرافیا و اخلاق مردمان هر ناحیه، اعیاد و مراسم ملل گوناگون، و در نهایت درباره ویژگی‌های خلقی و فطری انسان بحث نموده است. کتاب با نتیجه‌گیری مذهبی و اخلاقی (فصل نهم در باب نهم) به پایان می‌رسد.

مترجم محترم در پایان کتاب، نمایه‌ای عام و مفصل و بسیار مفید تهیه نمود که استفاده از کتاب را برای پژوهشگران آسان‌تر کرده و شایان تقدیر است. (صص ۵۱۴-۴۴۵)

منابع مورد استفاده شیخ ربوه در نگارش کتاب نخبة الدهر وسیع و متنوع است که به‌طور مختصر عبارتند از:

۱- کتب علمی و فلسفی دانشمندان و فلاسفه یونان از جمله کتاب الحيوان (ارسطو)، المجسطی (بطلمیوس) کتاب الاحجار (ارسطو)، اثر جالینوس حکیم درباره برخی حیوانات و گیاهان عجیب و کتاب تورات.

۲- کتب جغرافیدانان مسلمان: ابو الفرج بن جعفر، صاعد اندلسی (به ویژه درباره افریقا)، مسعودی، کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، کتاب الخراج قدامه بن جعفر، احمد طینی، المسالك و الممالک، ابو عبیده بکری و کتاب المباهج نوشته احمد وراق مصری در مبحث جغرافیای ایالت فارس.

۳- **کتاب‌های دانشمندان مسلمان از جمله: کتاب التعافین** یا شیخ ربوه مولف نخبة الدهر در تالیف این اثر، علاوه بر منابع مکتوب به منابع شفاهی و نیز دیده‌ها و شنیده‌های خود، به ویژه درباره جغرافیا و تاریخ شام و به‌طور اخص دمشق اعتماد نموده است

کتاب نخبة الدهر از نظر مطالعات چین‌شناسی و مطالعات جنوب شرقی آسیا، به عنوان منبعی تکمیلی در کنار سفرنامه ابن بطوطه و سفرنامه مارکوپولو که تقریباً با وی معاصر بوده‌اند، شایان توجه است

اسرار الشمس و القمر (ابن وحشیه)، ابو زید بلخی، احمد بن سهل بلخی، کتاب المباحج (احمد وراق مصری) و کتاب تحفه الغرایب.

۴- کتاب‌های مورخین مسلمان، از جمله مسعودی، ابن اثیر (الکامل فی التاریخ)، مسبّحی، جاحظ و نیز روایاتی از عمر بن الخطاب و برخی صحابه به نقل از کعب الاحبار و یا از زبان حجاج و جاحظ.

همچنین ربوه به منابع شفاهی چون «حاج احمد خروف» مفتی ملک منصور مملوک حاکم شهر «حماة» در زمان ملک محمد بن قلاوون مملوک (ص ۳۴۱) و نیز به دیده‌ها و شنیده‌های خود، به ویژه درباره جغرافیا و تاریخ شام و به‌طور اخص دمشق اعتماد نموده است. (ص ۱۷۵ و ۶۸-۶۰)

مطالب کتاب نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر بسیار متنوع و دارای فواید گوناگون علمی و تاریخی است.

توجه شیخ ربوه به مسائلی چون مهاجرت پرندۀ کلنگ از خراسان به مصر، و توصیف حیواناتی چون ببر و کرگدن که در آن روزگار برای مردم دمشق عجیب به نظر می‌آمده‌اند، از نظر دانشمندان تاریخ طبیعی، به ویژه در بحث از پراکندگی گونه‌های جانوری در گذشته حائز اهمیت است. همچنین توصیفات شیخ ربوه از انواع ماهیان و جانوران دریایی و محصولات متنوعی که از آنها به دست می‌آمده است. (از جمله ماده خوشبوی عنبر از شکم والها) (صص ۲۰۲-۲۰۰) و کاربرد استخوان‌های برخی ماهی‌ها در تهیه مهرهای انگشتری (صص ۲-۲۲۱) و نیز مصارف طبی و...، برای تحقیق در تاریخ زیست‌شناسی (علم الحیوان) در جهان اسلام و نیز برای تحقیقات در زمینه تاریخ تجارت دریایی به ویژه در بحث از مراکز صید مروارید در سواحل جنوب آسیا (ص ۱۱۴) سودمند است.

گرچه مؤلف بخش خاصی از کتاب خود را به جامعه‌شناسی (علم الاجتماع) اختصاص نداده، اما در بحث‌های جغرافیایی خود از ویژگی‌های اقوام و عوامل موثر در رونق شهرها و جمعیت آنها غافل نشده است.

چنانکه در جایی می‌نویسد: «شهر بزرگ و معتدل و آبادانی که بیش از سه هفته راه از آب دور باشد، به‌ندرت می‌توان یافت» (ص ۱۹۲) این سخنان مطالب کتاب پردازش «مقدمه ابن خلدون» را که چند قرن بعد در سده نهم هجری قمری در مغرب (مراکش) نگاشته شد، به خاطر می‌آورد. مطالعات مردم‌شناسی شیخ ربوه درباره ایران در لابلای توصیف شهرهای سند و مکران و احوال قبایل قفص، بلوچ و اعراب قبیله احواش در سیستان و کرمان (ص ۲۷۷) و نیز در تشریح نظام اجتماعی و سیاسی عشایر کوهستان‌های فارس که آنها را «کرد» (احتمالاً همان شبانکارگان) می‌نامد، هویداست. تا آنجا که زبان این عشایر را با زبان مردم شهرهای فارس که گاه «در انجمن‌ها و همایش‌های خود به زبان پهلوی» تکلم می‌کردند متفاوت یافته است. (ص ۲۸۱)

کتاب نخبة الدهر از نظر مطالعات چین‌شناسی و مطالعات جنوب شرقی آسیا، به ویژه از لحاظ توجه به مردم، اعتقادات، ابنیه و حتی معادن و سواحل آن مناطق (صص ۲۶۵-۲۷۱) به عنوان منبعی تکمیلی در کنار سفرنامه ابن بطوطه و سفرنامه مارکو پولو، که تقریباً با وی معاصر بوده‌اند، شایان توجه است.

در پاره‌ای موارد، توصیفات شیخ ربوه درباره سواحل مختلف جهان و کیفیت آنها از نظر کشتی‌رانی به قدری دقیق است که خواننده می‌پندارد یا مولف خود دریانوردی ماهر بوده و یا از برخی منابع شفاهی و گفته‌های دریانوردان بهره جسته است. در عین حال از وصف معادن و عجایب هر منطقه غافل نمی‌ماند. (ص ۱۹۵) مولف گرچه توضیحاتی اندک درباره سواحل و جزایر خلیج فارس (جزیره کیش، ابرکاو، هرمز، عدن و ظفار) ارائه نموده است، همین مقدار نیز مطالبی سودمند را در اختیار محققین تاریخ دریانوردی و تجارت دریایی ایران در عهد مغول قرار می‌دهد. (صص ۶۱-۲۶۰)

شیخ ربوه در ضمن توصیف شهرها و نقاط گوناگون، علاوه بر توصیف ابنیه آن مناطق، به دستاوردهای صنعتی آنها نیز توجه دارد و مطالبی ارزشمند برای محققین تاریخ علوم، به ویژه تاریخ مکانیک (علم الحیل)، تاریخ شیمی (کیمیا) و... فراهم می‌آورد. این کتاب از جمله معدود کتبی است که به‌طور مفصل و با ارائه تصاویر به موضوع بهره‌گیری از انرژی باد در سیستان برای ساخت آسیاب پادی و نیز تکنیک جابجا کردن شن با استفاده از باد ۱۲۰ روزه سیستان پرداخته است (صص ۷-۲۸۵). همچنین نویسنده از فن‌آوری آسیاب آبی مرند در آذربایجان (همراه با تصاویر) (صص ۷-۲۹۵)، دستگاه‌ها و تجهیزات گلاب‌گیری دمشق (صص ۶-۳۰۵)، انواع و شیوه‌های ساخت پل‌های ثابت و متحرک (از طریق به هم بستن قایق‌ها به وسیله زنجیر) در تنگه‌ها و مناطق اطراف مدیترانه (صص ۱۱-۲۱۰) و نیز فن‌آوری جنگ‌افزاری به نام «سنکجیل» که به صورت قفسی آهنی و با زه‌هایی از جنس مو ساخته می‌شد و بر فراز قلاع اسماعیلیه نصب می‌گردید. تا از ساکنان قلعه دفاع نماید، یاد کرده است.

کتاب نخبة الدهر در موضوع تاریخ معماری، به ویژه درباره بناهای «صابئین» در سام، حرّان، الرها و دیار بکر (ص ۳۰۱) و نیز راجع به نظام شهرسازی دمشق و تفصیلاتی درباره تاریخ و ویژگی‌های معماری مسجد جامع اموی دمشق (صص ۳-۳۰۳)، پر بار است.

توجه به ادیان و عقاید ملل و فرقه‌های گوناگون از اشتغالات ذهنی اصلی مولف نخبة الدهر بوده است، به خصوص به صابئین و اساطیر، اعتقادات ابنیه و اجرام سماوی مورد تقدس آنان توجهی ویژه دارد. گرچه نویسنده در کاربرد کلمه صابئین چندان دقیق نیست. اما پراکندگی و احوال صابئین شام و بین المقدس را به تفصیل ذکر کرده است (ص ۳۱۴).

در کتاب نخبة الدهر از شیعیان قم با عنوان غلاة و از اسماعیلیان با لفظ ملاحده(کافران) یاد شده است(ص ۲۹۰) شیخ ربوه درباره علویان اطراف دماوند اطلاعاتی آمیخته با تعصبات یک نویسنده سنی ارائه می‌دهد،(ص ۲۹۲). از این گذشته، مطالب شیخ ربوه درباره اسماعیلیان و دروزیان حمص و شام می‌تواند برای پژوهشگران تاریخ اسماعیلیه و گرچه مولف بخش خاصی از نخبة الدهر را به جامعه‌شناسی(علم الاجتماع) اختصاص نداده، اما در بحث‌های جغرافیایی خود از ویژگی‌های اقوام و عوامل موثر در رونق شهرها و جمعیت آنها غافل نشده است

کتاب نخبة الدهر از جمله معدود کتبی است که به‌طور مفصل و با ارائه تصاویر، به موضوع بهره‌گیری از انرژی باد در سیستان برای ساخت آسیاب بادی و نیز تکنیک جابجا کردن شن با استفاده از باد ۱۲۰ روزه سیستان پرداخته است

تصویر پلهایی که بوسیله کشتی بر روی تنگه‌های دریای می‌زدند

(عکس از کتاب نخبة الدهر)

نیز ملل و نحل مفید باشد.(ص ۳۱۹) توجه او به پراکندگی سامریان (یهود) در فلسطین و بیت المقدس نیز می‌تواند از نظر محققین تاریخ یهود سودمند باشد(ص ۳۱۵).

توضیحات نویسنده کتاب در مورد حضور و اعتقادات فرقه مشابه (معتقدین به رؤیت خداوند یا تجسم او) در گیلان و نیز زبان مردم گیلان(متفاوت با زبان فارسی)جالب توجه است.(ص ۲۵۳)

شیخ ربوه در کنار توجه به ملل و نحل، از وجه تسمیه ماه‌های عربی، مناسبت‌های برگزاری اعیاد و مراسم ملل گوناگون مسلمان و غیر مسلمان غافل نمانده و از این نظر به بررسی تاریخ فرهنگ عامه یاری کرده است. (صص ۹-۴۳۱)

چنانکه پیشتر ذکر شده، شیخ ربوه در خدمت سلاطین مملوک(دشمنان مغولان) بود. بنابراین تفکرات محیط ضد مغولی دربار و جامعه شام در عصر ممالیک در کتاب او به خوبی نمایان است.

شیخ ربوه همانند بسیار از نویسندگان مسلمان قرون میانه اسلامی صاحب دیدگاهی مذهبی درباره پدیده‌های جغرافیایی، اقوام گوناگون و مسائل علمی است و در جای جای کتاب آیاتی از قرآن را به عنوان شاهد آورده است. همچنین وی از فلسفه ارسطویی و فلاسفه پیش از سقراط(همچون هرمس، دموکریتوس و...) نیز متأثر است. به ویژه که این افکار نزد فلاسفه مسلمان از زمان «شیخ الرئیس ابو علی سینا» و «ابن مرشد» تا «خواجه نصیر الدین توسی»، صیغه اسلامی به خود گرفت. از این رو است که شیخ ربوه می‌نویسد: «به فرمان و خواست خدا، آب ماده اصلی زندگی گیاهان و جانوران است و خدای والا آگاهتر است»(اعتقاد به مشیت الهی تحت تاثیر قرآن)(ص ۱۸۵)، یا در جای دیگر می‌گوید «نهاد آب باید سرد و مرطوب باشد و به سوی مکانی که زیر کره هوا و بر روی زمین قرار دارد، روان گردد»(ص ۱۸۹).

شیخ ربوه در انواع دانش‌های زمانه خود استاد بود(ص ۷) و گرچه در جای جای مطالب کتاب خود عبارت «و خدا داناتراست»(صص ۸۵، ۱۲۰، ۵۸، ۶۹ و...) را به کار می‌برد که البته به سبب دیدگاه مذهبی اوست، تا حدی از ذوحیه انتقاد علمی نیز برخوردار است و پاره‌ای موارد به تبیین عقلی مسائل می‌پردازد. چنانکه می‌نویسد برخی از پیشینیان می‌پندارند دریای خزر به دریای روس که دریای طرابزنده نیز خوانده می‌شود، پیوسته است و دریاچه خوارزم از آن است و دریاچه زغر از دریای قلمز است. دریای هجر نیز از دریای فارس است ولیکن این سخن درست نیست و سپس استدلال‌ها و نقشه‌ها در رد آن ارائه می‌دهد.

متن عربی کتاب نخبة الدهر چنانکه مترجم محترم نوشته، به زبانی تقریباً دشوار و در برخی بخش‌ها همراه با تکلف و صنایع ادبی است. توصیفات کتاب بسیار خلاصه و گاه نامفهوم است و مولف گاه به وعده‌هایی که درباره توضیح برخی مسائل در صفحات آینده داده، عمل ننموده است(ص ۷)

متن ترجمه فارسی کتاب، گذشته از محدوده کلمات نامأنوسی چون مسامته(ص ۳۲) و ماهی قرش به معنای کوسه(ص ۲۵۶) متنی روان، یکدست و پخته است و در فارسی‌سازی لغات و اصطلاحات تلاشی شایان تقدیر از سوی مترجم محترم صورت گرفته است که از آن جمله به کارگیری «کلمه آبخست» به جای واژه عربی جزیره است. از دیگر نقاط قوت کتاب، زبان نوشتاری مترجم است که زبان تاریخی و مشابه نثر فارسی قرون هفتم و هشتم هجری(مثلاً زبان حمد الله مستوفی قزوینی) است و خواننده را در فضای تاریخی آن اعصار قرار می‌دهد.

نقاط ضعف کتاب گرچه اندک و قابل چشم‌پوشی است، اما هدف از تذکر آن اصلاح این ترجمه گرانقدر در چاپ‌های بعدی است:

۱- پانویس‌های کتاب تنها به توضیح لغات مشکل عربی اختصاص دارد، و بهتر بود که حواشی تاریخی، جغرافیایی و علمی نیز به آن افزوده می‌شد تا بر ارزش کتاب بیفزاید. این نیاز، به ویژه درباره اعلام جغرافیایی چون دریای اصطیفون، اقیانوس سبز، دریای زفتی، دریای منجمد و دریای ظلمات، احساس می‌شود.

۲- اشتباه‌های نگارشی یا چاپی در کتاب بسیار اندک است، اما اصلاح آنها بر قدر این جواهر می‌افزاید. از آن جمله است کلمه «لوز» به جای لور (لر) (ص ۲۸۲).

در هر حال ترجمهء چنین کتاب‌های پر ارزشی در زمینهء تاریخ علوم و جغرافیای تاریخی جهان اسلام و ایران، خدمتی سترگ و کاری شایان تقدیر است.